

بررسی میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری جوئیس و همکاران در مدارس ابتدایی

خسرو نظری¹، اسد حجازی²، محمد حسین محبی³، هدایت حسین پور⁴

دریافت: 97/7/2

پذیرش: 97/7/26

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری جوئیس و همکاران در مدارس ابتدایی شهرستان اندیکا انجام شد. روش پژوهش توصیفی- پیمایشی و جامعه آماری شامل تمامی آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا در سال تحصیلی 96-97 بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای و جدول کرجسی و مورگان حجم نمونه‌ای برابر 137 انتخاب شد. در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی آزمون t تک‌گروهی، آلفای کرونباخ استفاده شد. مؤلفه‌های اصلی پرسش‌نامه 36 سؤالی محقق‌ساخته از کتاب الگوهای تدریس جوئیس و همکاران، ترجمه بهرنگی (1384) و سؤال‌ها از کتاب الگوهای تدریس بهرنگی (1384) استخراج شد. صحت روایی صوری و محتوایی مورد تأیید اساتید گروه علوم تربیتی قرار گرفت و پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای 4 مؤلفه اطلاعات‌پردازی، الگوهای اجتماعی، الگوهای انفرادی و سیستم‌های رفتاری و پایایی کل به ترتیب برابر 763/، 786/، 861/، 754/ و 802/ به دست آمد. نتایج نشان داد که میانگین نمونه در به کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری (کل)، اطلاعات‌پردازی و الگوهای اجتماعی از نمره برش یا معیار (3) کمتر است، مقدار p- به دست آمده کوچک‌تر از سطح خطای $\alpha=0/05$ و به کارگیری این الگوها در جامعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین یافته‌ها نشان داد که میانگین نمونه در به کارگیری الگوهای انفرادی و سیستم‌های رفتاری از نمره برش یا معیار (3) بیشتر و مقدار p- به دست آمده بزرگ‌تر از سطح خطای $\alpha=0/05$ و به کارگیری این الگوها در فرایند تدریس توسط معلمان در جامعه در سطح متوسط است.

1. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسؤل، nazarikey@gmail.com

2. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

3. استادیار دانشگاه آزاد واحد مسجد سلیمان، ایران.

4. کارشناس ارشد علوم تربیتی، ایران.

یافته‌های این تحقیق به آموزش و پرورش کمک می‌کند با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و گارگاه‌های تدریس، آموزگاران را که از عناصر اصلی و بنیادی نظام تعلیم و تربیت هستند، نسبت به به‌کارگیری و استفاده از نظریه‌ها و الگوهای نوین یاددهی-یادگیری توجیه و ترغیب کند تا بتوانند نسلی خلاق را که دارای مهارت‌های فردی و اجتماعی مورد نیاز جامعه است، تربیت نمایند.

کلیدواژه‌ها: الگوهای نوین یاددهی - یادگیری، اطلاعات‌پردازی، الگوهای اجتماعی، الگوهای انفرادی، سیستم‌های رفتاری.

مبانی نظری پژوهش

اهمیت یادگیری بهتر، روش‌های تدریس و تسلط معلمان بر روش‌ها و فنون آموزشی و تربیتی نوین همواره مورد نظر محققین و دانشمندان علوم تربیتی و یکی از ملاک‌های شایستگی معلمان بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران این ملاک را بر دیگر ملاک‌های صلاحیت معلمان ترجیح می‌دهند که هرچه در این امر مسلط باشند در کار خود موفق‌تر عمل خواهند کرد (شعبانی، 1391). تاریخچه این مطالعات نیز نشان می‌دهد روش‌های تدریس در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و رشد خلاقیت آنان مؤثر و ثمربخش است؛ لذا وظیفه معلمان در فرایند تدریس تنها انتقال واقعیت‌های علمی به دانش‌آموزان یا فراگیران نیست، بلکه باید موقعیت و شرایط مطلوب یادگیری را فراهم نمایند (شعبانی، 1395). با به‌کارگیری شیوه‌های نوین تدریس، علائق و توانمندی‌های دانش‌آموز در مرکز توجه قرار می‌گیرد و معلم تلاش می‌کند تا توانایی دانش‌آموزان را در مهارت‌های گوش دادن، گفتن، خواندن، نوشتن، استدلال، مقایسه، تطبیق، تجزیه و تحلیل، سازندگی و خلاقیت تقویت کند و با توجه به این موضوع محتوای درس را در کلاس ارائه دهد (سیف، 1392).

با وجود این که تدریس¹، در متون علوم تربیتی مفهومی آشنا به نظر می‌رسد و اکثر معلمان و مجریان برنامه‌های درسی با معنی و ماهیت آن آشنایی دارند، اما برداشت‌های مختلف معلمان از مفهوم آن می‌تواند در نگرش آنان نسبت به دانش‌آموزان و نحوه کار کردن با آنها تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد. یادگیری نیز یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف است (هرگنهان و اولسون²) و لذا از آن تعریف‌های مختلفی شده است. اما با اذعان به تفاوت‌های موجود بین تدریس و یادگیری، نمی‌توان گفت که این دو، فرایندهایی نامرتبط می‌باشند. در

1. Teaching
2. Hrgnhan & Olson

حقیقت، هر دو به هم وابسته هستند؛ به‌طوری که یادگیری هدف، و تدریس عامل رسیدن به این هدف است. با وجود این وابستگی، یادگیری و تدریس دو فرایند مستقل به شمار می‌روند (مهرمحمدی، 1392). از این رو، معلمان قبل از بررسی و انتخاب روش‌های تدریس، بایستی چگونگی فرایند یادگیری را مورد مطالعه قرار دهند، چراکه انتخاب روش تدریس امری علمی است که بر اصول معینی استوار است، امکان دستیابی به هدفی مطلوب را تضمین می‌کند و برحسب ماده درسی متفاوت است (وکیلان، 1390).

بنابراین شناخت و آگاهی معلمان از نظریه‌های یادگیری¹ و الگوهای تدریس² اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مراکز آموزشی جایگاهی برای نظارت، هدایت و یادگیری هستند و معلم نقش راهنما، ناظر و سازمان‌دهنده‌ای را دارد که پایه‌پای دانش‌آموز مسیر آموزشی را طی می‌کند و به او کمک می‌کند تا درس را به‌طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد (منصوری جمشیدی، 1394). الگوهای تدریس در واقع الگوهای یادگیری‌اند و معلمان در حالی که به دانش‌آموزان خود اطلاعات می‌دهند نحوه یادگیری درست را نیز به آنها می‌آموزند (عزیزی فتح‌آباد و همکاران، 1396).

منظور از الگوی یاددهی و یادگیری، مدلی بسیار جامع است که می‌تواند یادگیری اطلاعات و مهارت‌های بنیادی را افزایش دهد و در حوزه موضوعات مختلف کارکرد و کاربرد داشته باشد. جویس، ویل، کالهن³ (2011) کلیه رویکردها و روش‌های موجود را مورد کنکاش قرار دادند و در فرایند ثبت و توصیف هر رویکرد، به نوعی نظام طبقه‌بندی⁴ مبادرت کردند تا خصوصیات و ویژگی‌های بنیادی یک رویکرد خاص را برحسب مبانی نظری و مقاصد تربیتی آن و رفتارهای معلم و شاگرد که ضامن اجرای موفقیت‌آمیز آن رویکرد باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. جویس و همکاران (2011) الگوهای یاددهی و یادگیری را به چهار خانواده الگوهای پردازش اطلاعات (اطلاعات‌پردازی)⁵، خانواده الگوهای اجتماعی⁶، خانواده الگوهای انفرادی⁷ و خانواده الگوهای نظام‌های رفتاری⁸ تقسیم می‌کنند. هر کدام از این خانواده‌ها دربرگیرنده روش‌های آموزشی مجزا می‌باشد. معیار اصلی در انتخاب الگوها در هر یک از این خانواده‌ها، قابلیت کاربرد گسترده الگوها است. ضمن این که با توجه به انطباق‌پذیر بودن الگوهای

1. Learning theories
2. Teaching models
3. Joyce, Weil, Calhoun
4. classification system
5. The Information Processing Family Methods
6. The Social Family Methods
7. The Personal Family Methods
8. The Behavior Family Methods

تدریس، می‌توان آنها را به تناسب سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان و مواد درسی تنظیم کرد (جوی، کالهن و هاپکینز¹، 2011). اگرچه هر یک از خانواده‌های الگوهای تدریس، رویکردی متمایز نسبت به تدریس دارند، اما به هیچ وجه متضاد نبوده و می‌توان از عناصر و مؤلفه‌های آنها به صورت ترکیبی نیز سود جست. این امر مستلزم تجربه، خلاقیت و مهارت حرفه‌ای و علمی معلم است (محققیان، احمدی و سعادت‌مند، 1391). در ادامه به توضیح مختصر این الگوها می‌پردازیم.

الف) خانواده الگوهای اطلاعات‌پردازی شامل دریافت مفهوم، یادگیری به شیوه استقرایی، کاوشگری علمی و ورزیدگی در کاوشگری، حفظ کردن، بدیع‌پردازی و پیش‌سازمان‌دهنده است. خانواده الگوهای پردازش اطلاعات، همان‌طور که از اسمش پیداست، در پردازش اطلاعات به دانش‌آموزان و فراگیران کمک می‌کند. علاوه بر این دانش‌آموزان در حین جمع‌آوری اطلاعات و کار روی آنها، معمولاً دانش را به شکل مشاهدات یا داده‌هایی از منابع و کتاب‌ها به دست می‌آورند و دانش را در سطح سازمان‌یافته‌تری ایجاد می‌کنند. بدین ترتیب این الگو با طبقه‌بندی ساده شروع می‌شود و سطح آن تا ساختار دانش رشته‌های علمی و نهایتاً تا دانش نظری و تئوری و راه‌های مختلفی که تئوری‌ها ساخته می‌شوند گسترش می‌یابد (نقش‌بندی، مصطفایی، امینی و سلیمی، 1396).

الگوهای پردازش اطلاعات به روش‌هایی تأکید می‌کنند که از طریق گردآوری اطلاعات و سازمان‌دهی آنها، درک مشکلات و ارائه راه‌حل‌هایی برای آنها و توسعه مفاهیم و زبان برای انتقال راه‌حل‌ها، شور و شوق انسان را برای درک جهان افزایش می‌دهند. الگوهای پردازش اطلاعات به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا نسبت به استراتژی‌های یادگیری آگاهی یافته و از این استراتژی‌ها برای تحقیق و تفکر در دنیای پیرامونشان استفاده نمایند؛ وجه اشتراک این مدل‌ها پرورش کاوشگری در دانش‌آموزان است (محققیان و همکاران، 1391).

ب) خانواده الگوهای اجتماعی شامل ایفای نقش، بررسی گروهی، کاوشگری اجتماعی و یاران در یادگیری است. وقتی با هم کار می‌کنیم یک انرژی جمعی به نام سینرژی (هم‌افزایی) تولید می‌کنیم. الگوهای اجتماعی تدریس به وسیله تشکیل گروه‌های یادگیری، از این پدیده استفاده می‌کنند. خانواده الگوهای اجتماعی تدریس، از این جهت که همگی مهارت‌های اجتماعی و سینرژی (هم‌افزایی) را افزایش می‌دهند و در نهایت در دانش‌آموزان و فراگیران تعهد اجتماعی ایجاد می‌کنند و ابزارهایی را برای

مشارکت در بالاترین اشکال جریان دموکراتیک برای دانش آموزان فراهم می‌نمایند، مشترک هستند. الگوهای اجتماعی تدریس به دانش آموزان کمک می‌کنند تا از طریق بررسی جمعی، ساخت دانش را فرا گیرند و از لحاظ تعامل اجتماعی، دامنه اهداف اجتماعی را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند (منصوری جمشیدی، 1394).

ج) خانواده الگوهای انفرادی شامل توسعه مفهوم مثبت از خویشتن، خودشکوفایی و تدریس غیرمستقیم است. خانواده الگوهای تدریس فردی با چشم‌انداز شخصیتی یک فرد آغاز می‌شوند و کوشش و تلاش می‌کنند آموزش و پرورش را به گونه‌ای شکل دهند تا دانش آموزان خود را بهتر درک کنند، مسؤلیت آموزش و پرورش خود را بر عهده گیرند و یاد بگیرند در حدی فراتر از رشد فعلی خود برسند. خانواده الگوهای تدریس فردی به دیدگاه فرد توجه زیاد می‌کند و در صدد است تا استقلال سازنده را در فرد تشویق نماید تا افراد به‌طور فزاینده‌ای خودآگاه شوند و مسؤلیت سرنوشت خودشان را به عهده گیرند (اسباره، 1395).

د) خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری شامل یادگیری تسلط‌آموزی (یادگیری برای یادگیری در حد ورزیدگی)، یادگیری از طریق شبیه‌سازها و آموزش مستقیم است (بهرنگی، 1396). در خانواده سیستم‌های رفتاری، انسان به منزله سیستم‌های ارتباطی خود اصلاحگر در نظر گرفته می‌شود که در واکنش نسبت به اطلاعات دریافت شده در مورد نحوه انجام موفقیت‌آمیز وظایف، رفتار خود را تغییر می‌دهد (پاسبان، 1395).

بنابراین با توجه به اهمیت و جامعیتی که به کارگیری الگوهای یاددهی و یادگیری جویس و همکاران (2011) در فرایند یادگیری فراگیران دارد، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این هدف است تا میزان به کارگیری الگوهای یاددهی و یادگیری جویس و همکاران (2011) را در شهر اندیکا از شهرستان مسجد سلیمان مورد پژوهش قرار دهد.

پرسش‌های پژوهش

- 1- به کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری جویس و همکاران در مدارس ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس چه میزان است؟
- 2- به کارگیری خانواده الگوهای اطلاعات‌پردازی جویس و همکاران در مدارس ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس چه میزان است؟

- 3- به کارگیری خانواده الگوهای اجتماعی جویس و همکاران در مدارس ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس چه میزان است؟
- 4- به کارگیری خانواده الگوهای انفرادی جویس و همکاران در مدارس ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس چه میزان است؟
- 5- به کارگیری خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری جویس و همکاران در مدارس ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس چه میزان است؟

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کمی، از نظر روش توصیفی - پیمایشی، از نظر هدف کاربردی، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در روش مقطعی گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک زمان واحد از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی آموزگاران دوره ابتدایی شهر اندیکا مشتمل بر 222 نفر (96 مرد و 126 زن) است. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان¹ (1974) برابر 137 نفر (59 مرد و 78 زن) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شد. در نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای، افراد جامعه با توجه به سلسله مراتب (از واحدهای بزرگ‌تر به کوچک‌تر) از انواع واحدهای جامعه انتخاب می‌شوند (سرمد، بازرگان و حجازی، 1392). برای انتخاب تصادفی معلمان، از 35 مدرسه ابتدایی دخترانه 20 مدرسه و از هر مدرسه 4 کلاس جمعاً 80 آموزگار خانم تصادفی انتخاب گردید. از 25 مدرسه ابتدایی پسرانه 20 مدرسه و از هر مدرسه 4 کلاس درس جمعاً 80 آموزگار مرد تصادفی انتخاب گردید. با پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته پس از توزیع پرسش‌نامه‌ها، میزان برگشت پرسش‌نامه آموزگاران خانم 78 مورد و میزان برگشت پرسش‌نامه آموزگاران مرد بدون خط‌خوردگی و پاسخ‌گویی به همه سؤالات 59 مورد بود که جمعاً نمونه مورد نظر را پوشش داد.

روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های پژوهش) بود. به این ترتیب که نخست در مطالعات کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی، مسأله تحقیق و چارچوب نظری و راه‌های بررسی مشخص شد و سپس داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شد.

جدول 1- اطلاعات جمعیت شناختی نمونه

جنسیت	تعداد	درصد
زن	78	.56
مرد	59	.44
تحصیلات	تعداد <th>درصد</th>	درصد
فوق دیپلم	7	.4/4
لیسانس	126	.92/7
فوق لیسانس و بالاتر	4	.2/9
محل تحصیل	تعداد <th>درصد</th>	درصد
مرکز تربیت معلم	110	.81
دانشگاه	27	.19
سابقه تدریس	تعداد <th>درصد</th>	درصد
زیر 7 سال	21	.15/4
8 الی 14 سال	43	.31/4
15 الی 22 سال	48	.35
بالای 23 سال	25	.18/3

برای جمع آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد که مؤلفه‌های اصلی آن برگرفته از کتاب الگوهای تدریس جوینس و همکاران، ترجمه بهرنگی (1385) و سؤال‌های آن از کتاب الگوهای تدریس بهرنگی (1396)، استخراج شده است. پرسش‌نامه تهیه شده شامل 36 گویه و دارای چهار خرده‌مقیاس است که 17 آئتم (به ترتیب سؤالات 1 تا 17) مربوط به خانواده الگوی اطلاعات پردازش، 5 آئتم (به ترتیب سؤالات 18 تا 22) مربوط به خانواده الگوی اجتماعی، 9 آئتم (به ترتیب سؤالات 23 تا 31) مربوط به خانواده الگوی انفرادی و 5 آئتم (به ترتیب سؤالات 32 تا 36) مربوط به خانواده الگوی سیستم‌های رفتاری بود. پرسش‌نامه در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت تنظیم شد که گزینه‌های آن از خیلی کم تا خیلی زیاد است و شیوه نمره‌گذاری به ترتیب به خیلی کم یا هرگز (نمره 1)، کم یا تقریباً هرگز (نمره 2)، متوسط یا به ندرت (نمره 3)، زیاد یا اغلب (نمره 4) و خیلی زیاد یا همیشه (نمره 5) می‌باشد و نمره-گذاری معکوس ندارد. در بررسی روایی صوری و محتوایی آن، از نظرهای اساتید و متخصصان گروه علوم تربیتی در دو حوزه برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی استفاده شد. ضریب پایایی متغیرهای پژوهش در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول 2- آلفای کرونباخ مقیاس الگوهای تدریس

مؤلفه‌ها	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
اطلاعات پردازی	17	0/763
الگوهای اجتماعی	18 الی 22	0/786
الگوهای انفرادی	23 الی 31	0/861
سیستم‌های رفتاری	32 الی 36	0/754
پایایی کل	1 الی 36	0/802

یافته‌ها

از روش‌های آمار توصیفی مانند جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره و آمار استنباطی مثل آزمون کولموگروف - اسمیرنوف¹ برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و از آزمون t تک‌گروهی جهت بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه 23 استفاده شد و داده‌ها در سطح معنی‌داری 0/05 تحلیل شدند.

جدول 3- یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

تعداد n	حداکثر نمره max	حداقل نمره Min	انحراف معیار SD	میانگین (M)	شاخص متغیر
137	3/88	1/65	0/405	2/83	اطلاعات پردازی
137	5	1/20	0/714	2/80	الگوهای اجتماعی
137	4/56	2	0/530	3/05	الگوهای انفرادی
137	4/60	1/40	0/591	3/02	سیستم‌های رفتاری
137	3/61	2/33	0/233	2/91	الگوهای نوین یاددهی - یادگیری

1. Kolmogorov-Smirnov test

نتایج جدول 3 نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به متغیر الگوهای انفرادی با میانگین 3/05 و انحراف معیار 0/530 و کم‌ترین میانگین مربوط به متغیر الگوهای اجتماعی با میانگین 2/80 و انحراف معیار 0/714 است؛ میانگین متغیر اطلاعات‌پردازی 2/83 و انحراف معیار آن 0/405 و میانگین متغیر سیستم‌های رفتاری 3/02 و انحراف معیار آن 0/591 و میانگین متغیر کلی الگوهای نوین یاددهی- یادگیری 2/91 و انحراف معیار آن 0/233 است.

جدول 4 - آزمون کولموگروف- اسمیرنوف توزیع داده‌های تحقیق

شاخص متغیر	آزمون کولموگروف- اسمیرنوف	
	مقدار Z	سطح معناداری sig
اطلاعات‌پردازی	0/161	0/230
الگوهای اجتماعی	0/172	0/081
الگوهای انفرادی	1/778	0/141
سیستم‌های رفتاری	1/129	0/176
الگوهای نوین یاددهی- یادگیری	1/172	0/211

داده‌های جدول 4 نشان می‌دهد که توزیع مورد نظر نرمال است و آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای تطابق توزیع نمونه با توزیع نظری غیرمعنادار بوده است ($p > 0/05$)، لذا می‌توان از آزمون‌های پارامتریک در تحلیل داده‌ها استفاده کرد.

یافته‌های مربوط به سؤالات تحقیق

برای تحلیل داده‌های حاصل از سؤالات از آزمون t تک‌گروهی در سطح 0/5 استفاده شد. از آزمون t تک‌گروهی (one sample T test) برای یک گروه زمانی استفاده می‌کنیم که قصد داشته باشیم میانگین نمونه را با یک میانگین فرضی و نظری مقایسه کنیم. در این پژوهش میانگین نمونه با میانگین مفهومی یا نقطه وسط طیف (میانگین معیار یا برش) مقایسه شد. از آماره t در سطح 0/05 برای معنی‌دار بودن استفاده شد. جدول 5 نتایج تحلیل سؤالات را نشان می‌دهد.

جدول 5- آزمون t تک گروهی برای بررسی میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری

میزان به کارگیری	فاصله اطمینان 95٪ جهت اختلاف میانگین و مقدار آزمون		اختلاف میانگین و مقدار آزمون	P - مقدار	آماره t	انحراف معیار	میانگین از 5	شاخص متغیر
	کران بالا	کران پایین						
نامطلوب	-0/048	-0/126	-0/087	0/001	-4/38	0/233	2/91	الگوهای نوین یاددهی - یادگیری
نامطلوب	-0/096	-0/233	-0/164	0/001	-4/75	0/405	2/83	خانواده الگوهای اطلاعات پردازی
نامطلوب	-0/073	-0/314	-0/194	0/002	-3/18	0/714	2/80	خانواده الگوهای اجتماعی
متوسط	0/146	-0/032	0/056	0/212	1/25	0/530	3/05	خانواده الگوهای انفرادی
متوسط	0/123	-0/0765	0/023	0/644	0/462	0/591	3/02	الگوهای سیستم‌های رفتاری

میانگین مفهومی یا نقطه وسط طیف پرسش‌نامه (عدد 3) به عنوان میانگین معیار یا برش

بر اساس اطلاعات جدول 5، در پاسخ به سؤالات 1، 2 و 3 (میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی-یادگیری، خانواده الگوهای اطلاعات پردازی و خانواده الگوهای اجتماعی در فرایند تدریس توسط معلمان) تمرکز پاسخ‌ها کمتر از میانگین معیار (3) و به ترتیب برابر 2/91، 2/83 و 2/80 است. مقدار آماره (t تک گروهی) برای به کارگیری الگوهای نوین یاددهی - یادگیری در فرایند تدریس توسط معلمان $t(137) = -4/38$ ، خانواده الگوهای اطلاعات پردازی $t(137) = -3/18$ و الگوهای اجتماعی $t(137) = -3/18$ با کران‌های بالا و پایین منفی و $p < 5\%$ است. می‌توان نتیجه گرفت که میانگین جامعه برای الگوهای نوین یاددهی - یادگیری، خانواده الگوهای اطلاعات پردازی و خانواده الگوهای اجتماعی به‌طور معناداری از عدد 3 کوچک‌تر است و به کارگیری آنها در جامعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. همچنین اطلاعات جدول 5، در پاسخ به سؤالات 4 و 5 (میزان به کارگیری خانواده الگوهای انفرادی و خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری در فرایند تدریس توسط معلمان) به ترتیب تمرکز پاسخ‌ها نزدیک به میانگین معیار (3) به ترتیب برابر 3/05 و 3/02 است. مقدار آماره (t تک گروهی) برای به کارگیری خانواده الگوهای انفرادی در فرایند تدریس توسط معلمان $t(137) = 1/25$ ، خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری $t(137) = 1/462$ با کران‌های پایین منفی و کران‌های بالای مثبت و $p > 5\%$ است. می‌توان نتیجه

گرفت که میزان به کارگیری خانواده الگوهای انفرادی و خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری در فرایند تدریس در بین آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا در وضعیت متوسطی قرار دارد. در مجموع نتایج نشان داد الف) میزان به کارگیری «الگوهای نوین یاددهی- یادگیری»، «اطلاعات‌پردازی» و «الگوهای اجتماعی» در بین آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. ب) میزان به کارگیری «الگوهای انفرادی» و «سیستم‌های رفتاری» در بین آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس در وضعیت متوسطی قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میزان به کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری، خانواده الگوهای اطلاعات‌پردازی و خانواده الگوهای اجتماعی جویس و همکاران (2011) در بین آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. این نتایج با یافته‌های گیلیس (2017)، ادیب فر (1396) و بهمنی (1389) همخوان است. عدم آشنایی و به کارگیری روش‌های نوین یاددهی و یادگیری توسط معلمان یکی از چالش‌های جدی آموزش و پرورش است. به همین سبب دانش‌آموزان علاقه زیادی به تحصیل نشان نمی‌دهند و کیفیت آموزشی از سطح مطلوب برخوردار نیست. لذا استفاده از دستاوردهای جدید علمی در حیطه یاددهی و یادگیری برای متولیان امر آموزش به‌ویژه معلمان دوره ابتدایی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که مهارت آموزگاران در کمک به دانش‌آموزان در دریافت مفاهیم علمی، جستجوگری و ورزیدگی در کاوشگری در سطح مطلوبی نیست. لذا این عدم سطح مطلوبیت، دانش‌آموزان را در توانایی پردازش اطلاعات، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی یادگیری با مشکل مواجه می‌کند. با تسلط معلمان در استفاده بهینه از الگوی پردازش اطلاعات و به کارگیری روش‌های تدریس مناسب، دانش‌آموزان مهارت جمع‌آوری اطلاعات و کار روی آنها را در قالب مشاهدات و استخراج داده‌ها از منابع و کتاب‌ها به دست می‌آورند و توانایی سازمان‌دهی دانش را در سطحی بالاتر کسب می‌کنند. از مشکلات جدی نظام آموزشی، عدم روح جستجوگری و کاوشگری در دانش‌آموزان است، که می‌توان با آموزش معلمان در یادگیری الگوهای پردازش اطلاعات، آنها را نسبت به دنیای پیرامون خود با رویکرد تحقیق و تفکر آگاه کرد و روح کاوشگری که از هدف‌های عمده این الگوها است را در دانش‌آموزان زنده کرد.

نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهد که میزان به کارگیری روش‌های تدریس ایفای نقش، کار گروهی و یاران در یادگیری، در بین آموزگاران ابتدایی شهرستان اندیکا در سطح مطلوبی قرار ندارد و پایین‌تر از سطح

متوسط می‌باشد. از آنجایی که مدرسه مهم‌ترین و بهترین کانون یادگیری زندگی جمعی و مشارکت اجتماعی است و در پرتو اتخاذ روش‌های تدریس مشارکتی و فعالیت‌های گروهی و تیمی کلاس درس است که دانش‌آموزان می‌توانند در آینده به شهروندانی مسؤول و مشارکت‌جو تربیت شوند، لازم است آموزش‌ها، منابع و ابزارهای مدیریتی لازم جهت توسعه توانایی‌های آموزگاران به عنوان کانون‌های اصلی دستیابی به این اهداف به کار گرفته شود. این بخش از نتیجه تحقیق با نتایج پژوهش منصوری جمشیدی (1394) همسو است.

آلبرت باندورا¹ یادگیری از طریق مشاهده، تقلید و الگوبرداری را استراتژی‌های یادگیری اجتماعی می‌داند که می‌توانند تأثیر قابل توجهی در فرایند اجتماعی شدن دانش‌آموزان در کلاس‌های درس با تأثیرپذیری از آموزگاران داشته باشد. موضوعی که در صورت بی‌توجهی و عدم آگاهی، به‌طور ناخودآگاه می‌تواند اثرات مثبت و منفی رفتاری زیان‌باری را در دانش‌آموزان موجب شود. دانش‌آموزان به عنوان انسان‌هایی که بالقوه آماده یادگرفتن هستند، دوست دارند با دوستان خود ارتباط صمیمی داشته باشند و با هم مشارکت کنند. این احساس که معلم آنها را دوست دارد و به آنها اعتماد می‌کند برایشان خوشایند است و نیاز دارند که احساس امنیت کنند. اگر روش تدریس معلم بدون در نظر گرفتن این خواسته‌ها باشد، کلاس درس و مباحث درسی برای شاگردان جالب نخواهد بود و داوطلبانه به دنبال یادگیری نخواهند رفت (ماهر، 1372).

همچنین نتایج آزمون t تک گروهی در پاسخ به سؤالات (4 و 5) میزان به‌کارگیری خانواده الگوهای انفرادی و خانواده الگوهای سیستم‌های رفتاری در بین آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس نشان داد که به‌کارگیری این الگوها در فرایند تدریس در وضعیت متوسطی است. نتیجه این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق نقش‌بندی و دیگران (1396) و آسباره و دیگران (1395) همسو است. از ویژگی‌های آموزش و پرورش موفق، پرورش روح فردیت در کنار احساس مسؤولیت جمعی در دانش‌آموزان است تا خود را به عنوان شخصیت‌های منحصر به فردی بدانند که دارای توانایی‌ها و شخصیت مستقلی هستند و قابل مقایسه با دیگران نیستند. آموزگاران با استفاده از الگوهای تدریس خودشکوفایی، تدریس مستقیم و سیستم‌های مفهومی می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند خود را بهتر درک نمایند، مسؤولیت آموزش و پرورش خود را به عهده گیرند و تلاش نمایند در جستجوی آرمانی فراتر از زندگی موجود با چشم‌انداز شخصیتی خود، ببندیشند. آموزگاران همچنین می‌توانند با به‌کارگیری رویکرد یادگیری

در سطح تسلط به دانش‌آموزان فرصت یادگیری متناسب با توانایی آنان را ایجاد نمایند. علاوه بر این، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که آموزگاران به عنوان مهم‌ترین کارگزاران تعلیم و تربیت در مهم‌ترین کانون زندگی یعنی مدرسه، تحت تأثیر فرهنگ و باورهای آموزشی پیرامون خود که بیشتر تمایل به فردگرایی دارد تا جمع‌گرایی، فعالیت‌های تیمی و گروهی، به فعالیت مشغولند.

پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی

نتایج کلی تحقیق حاکی از آن است که میزان به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری در بین آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا در فرایند تدریس در شرایط مطلوبی نیست. بنابراین موارد زیر برای بهبود دانش، نگرش و مهارت معلمان دوره ابتدایی شهرستان اندیکا پیشنهاد می‌گردد.

ضروری است مدیریت آموزش و پرورش برای آموزگاران دوره ابتدایی، دوره بازآموزی الگوهای نوین یاددهی- یادگیری را با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت در دستور کار قرار دهد. تمهید تشویق‌های مادی و معنوی برای آموزگاران دوره ابتدایی در مطالعه منظم منابع و کتاب‌های روش تدریس نوین، شرکت آنان در جشنواره الگوهای فعال تدریس با رویکرد الگوهای نوین یاددهی- یادگیری، اهتمام به آموزش آموزگاران در استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی جهت صرفه‌جویی در وقت و منابع مالی را برنامه‌ریزی و تدبیر نماید.

همچنین پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت را ترغیب و حمایت نماید تا به بررسی عوامل مؤثر در به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی- یادگیری در فرایند تدریس در بین آموزگاران دوره ابتدایی در جامعه مورد نظر پردازند و با شناسایی چالش‌های آموزگاران در زمینه به‌کارگیری الگوهای نوین یاددهی و یادگیری با تأکید بر الگوی جویس و همکاران، راهبردهای اثربخشی را برای بهبود امر مهم تدریس در شهرستان اندیکا و بومی کردن این گونه نظریه‌ها اتخاذ نمایند. محقق در انجام پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

1 - اولین محدودیت این پژوهش محدودیت مکان است، چون انجام قلمرو تحقیق شهرستان اندیکا بوده است، یافته‌ها قابل تعمیم به دیگر شهرستان‌ها نیست.

2 - محدودیت دیگر نیز محدودیت زمان است، چون انجام تحقیق در سال 1397 صورت گرفته، تعمیم یافته‌ها به سنوات آتی دارای محدودیت بوده و باید با احتیاط صورت پذیرد.

3 - این پژوهش محدود به جامعه آماری آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا است؛ بنابراین نتایج پژوهش تنها قابل تعمیم به محدوده جامعه آماری آموزگاران دوره ابتدایی شهرستان اندیکا است.

- 4- روش آماری مورد استفاده در این پژوهش شامل آزمون t تک نمونه‌ای و آمار توصیفی است و لذا روش‌های آماری به روش‌های ذکر شده محدود و خلاصه می‌شود.
- 5- عدم همکاری و تمایل معلمان مرد در پر کردن پرسش‌نامه از دیگر محدودیت‌های تحقیق بود.

منابع

- ادیب‌فر، حجت‌اله. (1396). «تأثیر روش‌های تدریس نوین بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم مدارس مقطع متوسطه اول منطقه 3 شهر اهواز». سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز: مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- اسباره، فاطمه؛ رضا لطیفی فر و ایوب منصوری. (1395). «بررسی و معرفی روش‌ها و الگوهای نوین تدریس در راستای بهبود امر یاددهی - یادگیری». نخستین همایش ملی برنامه‌ریزی و تحول نظام آموزشی، قم: دانشگاه پیام نور استان قم.
- باندورا، آلبرت. (1372). نظریه یادگیری اجتماعی. ترجمه فرهاد ماهر، شیراز: انتشارات راهگشا.
- بهمئی، لیلی. (1389). الگوهای نوین یاددهی و یادگیری (با تأکید بر دوره ابتدایی). تهران: انتشارات آراد کتاب: کهکشان دانش.
- یاسبان کومله، سید محمدجواد. (1395). «الگوهای نوین توسعه حرفه‌ای معلمان (اقدام پژوهی - درس پژوهی - روایت پژوهی)». دومین همایش ملی تربیت معلم، اصفهان، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه اصفهان.
- جویس، بروس؛ مارشال ویل و امیلی ا کالهنون. (1385). الگوهای تدریس، خانواده الگوهای اجتماعی، اطلاعات پردازشی، انفرادی، رفتارهای همراه با مباحثی درباره تفاوت‌های فردی، تنوع و برنامه درسی، ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: بهار و کمال تربیت. (2006).
- _____ . (1396). الگوهای تدریس (ابزارهایی برای تدریس)، ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: انتشارات سمت. (2015).
- سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی. (1392). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- سیف، علی اکبر. (1396). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. تهران: نشر دوران.
- _____ . (1392). پژوهش‌های تازه روان‌شناسی درباره روش‌های یادگیری و مطالعه. ویراست دوم. تهران: نشر دوران.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر. (1387). روان‌شناسی تربیت و تدریس. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شعبانی، حسن. (1395). مهارت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس). تهران: انتشارات سمت.
- _____ . (1391). روش‌های تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر). تهران: انتشارات سمت.

عزیزی فتاح آباد، زهرا؛ خدیجه عزیزی فتاح آباد و جعفر عزیزی فتاح آباد. (1396). «تأثیر شیوه‌های نوین تدریس بر تربیت نیروی انسانی کارآمد». سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

محققیان، شهناز؛ غلامرضا احمدی و زهره سعادت‌مند. (1391). «شناخت و کاربرد الگوهای نوین تدریس در میان اساتید گروه علوم انسانی». فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، 2، شماره 8.

محمدی اترک‌گه، مصطفی و دیگران. (1395). «آشنایی با روش‌های فعال و نوین در تدریس». اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم: دبیرخانه دائمی کنفرانس.

منصوری جمشیدی، فتانه. (1394). «مؤلفه‌های یادگیری در الگوهای نوین تدریس». دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی. تهران: موسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا.

مهرمحمدی، محمود. (1392). «بازاندیشی فرایند یاددهی- یادگیری و تربیت معلم». تهران: انتشارات منادی تربیت. نقش‌بندی، آزاد؛ مصطفایی، میلاد؛ امینی، محسن و سلیمی، فرشید. (1396). «نگاهی به روش‌ها و الگوهای نوین تدریس معلم در کلاس‌های چندپایه». همایش ملی علوم انسانی. تهران: شرکت توسعه دانش فرزنانگان. و کیلیان، منوچهر. (1390). روش‌ها و فنون تدریس (رشته علوم تربیتی). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

Barratt MS, Mover VA. (2014). Effect of a teaching skills program on faculty skills and confidence. *Ambulatory Pediatrics*, no 4, vole: 1, pp: 117-20.

Gillis, R.M. (2017). *The effects of cooperative learning on junior High school students during small group learning - learning and instruction*, 14:197-213. Available from: www.elsevier.com/locate/learninstruc

Joyce BR, Weil M, Calhoun E. *Models of teaching*. Trans Behring MR. Tehran: Kamala Tarbiat. 2005.

Joyce B, Calhoun E, Hopkins D. (2011). *Models of Learning Tools for Teaching*. 4th ed. Buckingham: Philadelphia.

A survey on the Application rate of New Teaching-Learning Patterns by Joyce et al in Elementary Schools

Khosro Nazari¹, Asad Hejazi², Mohammad Hossein Mohebbi³, Hedayat Hosseinpour⁴

Abstract

The purpose of this study was to investigate the use of new Teaching-learning patterns by Joyce et al. in elementary schools in Andika. The research method was descriptive-survey and the statistical population included all the 222 elementary school teachers(96 males and 126 females) in the Andika town from Masjed Soleiman city in Khuzestan province in the academic year of 96-97. A sample size of 137 people (59 males and 78 females) was selected using multi-stage random sampling and Krejci-Morgan table. Descriptive statistics such as frequency table, percentage, mean, standard deviation, minimum and maximum score, and inferential statistics of Kolmogorov-Smirnov for the purpose of checking the normal distribution of data. The single-group t-test was used to analyze the research questions, and Cronbach's alpha to determine the coefficients of reliability of the variables .The main components of the questionnaire were 36 researcher-made questions from the book "Teaching-Learning Patterns" by Joyce et al translated by Behranghi (2005). The validity of the face and content validity was confirmed by the professors of the educational sciences department. The reliability of the questionnaire was calculated using Cronbach's alpha for 4 components of information processing, social patterns, individual patterns and behavioral systems and total reliability of .763, .786, .861, .754, and .802 respectively were obtained .The results showed that the mean of the sample in using modern teaching / learning patterns (total), social welfare information is less than the cut-off score (3), the p-value obtained is smaller than the error level of $\alpha = 0.05$, and the use of this Patterns in society do not have a favorable status. Also, the findings showed that the mean of the sample in applying individual patterns and behavioral systems was greater than the cut score or standard (3) and the p-value obtained was greater than the error level of $\alpha = 0.05$ and the use of these patterns in the teaching process by teachers in the community Medium level .The findings of this study help the education system to organize in-service courses and teaching workshops for teachers who are the main elements of the education system to enable and encourage them to use the theories and new teaching-learning patterns in training a creative generation with social and individual skills required by the community.

Keywords: Modern patterns of teaching-learning, information processing, social patterns, individual patterns, behavioral systems.

-
1. Assistant Professor of Farhangian University, Tehran, Iran, Corresponding Author, nazarikey@gmail.com.
 2. Assistant Professor of Farhangian University, Tehran, Iran.
 3. Assistant Professor Azad University Masjed Soleiman Branch, Iran.
 4. M.Sc. in Educational Sciences, Iran.